





دانشکده ی حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه دوره دکتری در رشته حقوق کیفری و جرم شناسی

موضوع:

قتل ناشی از ترک فعل در حقوق ایران و مقایسه و تطبیق آن با

نظام کامن لا

استاد راهنما:

دکتر کیومرث کلانتری

استاد مشاور:

دکتر اسماعیل هادی تبار

نام دانشجو:

حمزه بیگی هرباغ

شهریور ماه ۱۳۹۸

سپاسگزاری

با همه ی حمد و سپاس های وافر بر یگانه هستی عالم، جا دارد از اساتید گرانقدرم جناب آقای دکتر کیومرث کلانتری و جناب آقای دکتر اسماعیل هادی تبار تشکر نمایم، که زحمت راهنمایی و مشاوره ی رساله ی حاضر را برعهده داشته اند و با تدقیق و امتنان نظر خود، همواره راهنما و مشاور بنده در امر نگارش رساله ی پیش رو بوده اند.

تقدیم به :

پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد (ص)

اساتید عزیزم

پدر و مادر بزرگوارم

و همسر مهربانم.

چکیده

قتل ناشی از ترک فعل، به عنوان یک موضوع مهم در بین فقها و حقوقدانان مورد بررسی و تفحص قرار دارد. موضوع قتل ناشی از ترک فعل، به طوری از اهمیت برخوردار می باشد که قانونگذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر کرده است. مطابق ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که به صراحت، شرایط حاکم بر تحقق قتل ناشی از ترک فعل را تبیین می کند، نسبت با قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی مصوب ۱۳۵۴ جامع تر است؛ برای آنکه جایگاه، قلمرو، اهمیت، ارکان، آثار و ماهیت قتل ناشی از ترک فعل، در حقوق ایران مورد مطالعه قرار گیرد، می بایست به مبانی فقهی این موضوع که قواعد فقهی همچون لاضرر، احسان و تسبیب می باشد و جایگاه حقوقی نیز، که در واقع همان ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بوده و در خصوص جرم انگاری ترک فعل در شرایط خاص، وضع گردیده، می توان رجوع نمود. در نظام حقوقی کامن لا، بر عکس حقوق ایران، صرف ترک فعلی که منجر به قتل گشته، با وجود شرایطی چون احراز رابطه ی سببیت و وجود وظیفه، مسئولیت کیفری به همراه دارد؛ در نظام حقوقی کامن لا همچون حقوق ایران، برای احراز ترک فعل، می بایست ارکان قانونی، مادی و معنوی محرز گردد و از جهاتی نیز وجود خطر در شناسایی احراز ترک فعل از اهمیت برخوردار می باشد.

کلید واژگان:

قتل، ترک فعل، سببیت، بی احتیاطی، بی مبالاتی.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول: مقدمه

- ۱-۱ مقدمه ۱
- ۲-۱ بیان مسئله ۲
- ۳-۱ سؤالات تحقیق ۵
- ۴-۱ فرضیات تحقیق ۵
- ۵-۱ پیشینه تحقیق ۵
- ۶-۱ اهداف تحقیق ۷
- ۷-۱ روش تحقیق ۸
- ۸-۱ سازماندهی تحقیق ۸

فصل دوم: مفاهیم و مصادیق قتل ناشی از ترک فعل

- ۱-۲ مفهوم شناسی ۹
- ۱-۱-۲ مفهوم قتل عمد ۹
- ۱-۱-۱-۲ مفهوم قتل عمد در حقوق ایران ۱۰
- ۲-۱-۱-۲ مفهوم قتل عمد در نظام حقوقی کامن لا ۱۸
- ۲-۱-۲ مفهوم قتل شبه عمد ۲۱
- ۱-۲-۱-۲ مفهوم قتل شبه عمد در حقوق ایران ۲۱
- ۲-۲-۱-۲ مفهوم قتل غیر عمد در نظام حقوقی کامن لا ۲۴
- ۳-۱-۲ مفهوم قتل خطای محض ۲۴
- ۱-۳-۱-۲ مفهوم قتل خطای محض در حقوق ایران ۲۵
- ۲-۳-۱-۲ مفهوم قتل خطای محض در نظام حقوقی کامن لا ۲۸
- ۴-۱-۲ مفهوم ترک فعل ۲۹

۲۹	۱-۴-۱-۲ مفهوم ترک فعل در حقوق ایران
۳۲	۲-۴-۱-۲ مفهوم ترک فعل در نظام حقوقی کامن لا
۳۴	۲-۲ مصادیق قتل ناشی از ترک فعل در حقوق ایران و نظام حقوقی کامن لا
۳۴	۱-۲-۲ مصادیق قتل ناشی از ترک فعل در حقوق ایران
۳۴	۱-۱-۲-۲ از جهت عنوان مجرمانه
۴۱	۲-۱-۲-۲ از جهت ترک رفتار فیزیکی
۴۴	۲-۲-۲ مصادیق قتل ناشی از ترک فعل در نظام حقوقی کامن لا
۴۴	۱-۲-۲-۲ ترک فعل متضمن خطر
۴۸	۲-۲-۲-۲ ترک فعل ناشی از بی پروایی و بی مبالاتی

فصل سوم: مبانی دیدگاه موافقین و مخالفین جرم انگاری جایگاه قتل ناشی از ترک فعل در

حقوق ایران و نظام حقوقی کامن لا

۵۳	۱-۳ مبانی دیدگاه موافقین و مخالفین جرم انگاری قتل ناشی از ترک فعل
۵۴	۱-۱-۳ مبانی دیدگاه موافقین و مخالفین جرم انگاری قتل ناشی از ترک فعل در حقوق ایران
۵۴	۱-۱-۱-۳ مبانی دیدگاه مخالفین جرم انگاری قتل ناشی از ترک فعل در حقوق ایران
۶۵	۲-۱-۱-۳ مبانی دیدگاه موافقین جرم انگاری قتل ناشی از ترک فعل در حقوق ایران
۷۴	۲-۱-۳ مبانی جرم انگاری قتل ناشی از ترک فعل در نظام حقوقی کامن لا
۷۸	۲-۳ جایگاه قتل ناشی از ترک فعل در حقوق ایران و کامن لا
۷۸	۱-۲-۳ جایگاه قتل ناشی از ترک فعل در حقوق ایران
۷۸	۱-۱-۲-۳ از منظر حقوقدانان و فقها
۸۸	۲-۱-۲-۳ از منظر قوانین
۱۰۲	۳-۱-۲-۳ از منظر تصمیمات قضایی در حقوق ایران
۱۱۴	۲-۲-۳ جایگاه قتل ناشی از ترک فعل در نظام حقوقی کامن لا

فصل چهارم: ارکان و آثار قتل ناشی از ترک فعل در حقوق ایران و نظام حقوقی کامن لا

- ۱-۴ ارکان قتل ناشی از ترک فعل در حقوق ایران و نظام حقوقی کامن لا ۱۱۸
- ۱-۴-۱ ارکان قتل ناشی از ترک فعل در حقوق ایران ۱۱۸
- ۱-۴-۱-۱ رکن قانونی ۱۱۹
- ۱-۴-۱-۲ رکن مادی ۱۲۱
- ۱-۴-۱-۳ رکن معنوی ۱۲۹
- ۲-۴ ارکان قتل ناشی از ترک فعل در نظام حقوقی کامن لا ۱۳۱
- ۲-۴-۱ رکن قانونی ۱۳۱
- ۲-۴-۲ رکن مادی ۱۳۲
- ۲-۴-۳ رکن معنوی ۱۴۰
- ۲-۴ آثار حاکم بر قتل ناشی از ترک فعل در حقوق ایران و نظام حقوقی کامن لا ۱۴۱
- ۲-۴-۱ آثار حاکم بر قتل ناشی از ترک فعل در حقوق ایران ۱۴۱
- ۲-۴-۱-۱ آثار حاکم بر قتل ناشی از ترک فعل در قتل عمدی ۱۴۲
- ۲-۴-۱-۲ آثار حاکم بر قتل ناشی از ترک فعل در قتل شبه عمدی ۱۴۴
- ۲-۴-۱-۳ آثار حاکم بر قتل ناشی از ترک فعل در قتل خطای محض ۱۴۴
- ۲-۴-۲ آثار حاکم بر قتل ناشی از ترک فعل در نظام حقوقی کامن لا ۱۴۵

فصل پنجم: نتیجه گیری و پیشنهادات

- ۱-۵ نتیجه گیری ۱۵۰
- ۲-۵ پیشنهادات ۱۵۳
- منابع ۱۵۵
- چکیده لاتین ۱۶۶

فصل اول: مقدمه

۱-۱ مقدمه

به تصریح ماده ی «۲» قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که می گوید: «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم است»، رکن مادی جرایم اعم از فعل و ترک فعل است؛ اما در عمل اکثریت قریب به اتفاق جرایم با فعل اتفاق می افتند مانند سرقت و صدور چک بی محل. در مقابل جرایم کمی هستند که رکن مادی آنها ترک فعل است. طبق قوانین جزایی ایران، به ویژه ماده ی ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، قتل ناشی از ترک فعل در صورت احراز رابطه ی استنادی، مسئولیت کیفری را به همراه خواهد داشت.

برخی معتقدند که حکم ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بیشتر متأثر از نظام حقوقی کامن لا بوده است و برای مبنای فقهی آن جایگاهی قائل نیستند؛ منابع فقهی صرفاً ترک فعل مسبوق به فعل مثبت را به عنوان رکن مادی قتل عمدی مطرح کرده اند. فتاوی برخی فقهای معاصر هم مؤید این مطلب است که تارک فعل، قاتل عمدی محسوب نمی شود، هر چند به موجب قانون یا قرارداد متعهد باشد.^۱

^۱ . پوربافرانی، حسن، ۱۳۹۲، جرایم علیه اشخاص، تهران، جنگل، ص ۳۱.

ولی در هر حال نظریه ی مزبور که بیان می دارد: «ماده ی ۲۹۵ قانون مزبور از حقوق کامن لا اقتباس گردیده است.» را نمی توان مورد تأیید قرار داد؛ زیرا قانون مجازات اسلامی قید استناد را دارد و در واقع آنچه در ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی بیان گردیده است، دارای رابطه ی استنادی و موضوع محور است. عبارت «مستند می شود» در ماده ی مزبور، اخبار از اسناد است والا رابطه استناد یک امر دستوری نیست که قانونگذار بگوید مستند می شود یا نمی شود؛ بنابراین این نحو از بیان اخبار به واقع است یعنی رابطه استناد در صورت حصول این شرایط وجود دارد و بایستی رابطه ی استناد برقرار باشد. زیرا عبارت قبل از آن به نحوی است که شخص تارک هرگاه سبب باشد، ضامن خواهد بود.^۱ بنابراین برعکس کامن لا، به صرف ترک فعل، شخص ضامن نیست و بایستی رابطه استناد به صورت مادی و واقعی وجود داشته باشد.^۲ با توجه به این موضوع، قتل ناشی از ترک فعل در حقوق ایران و نظام حقوقی کامن لا دارای مسئولیت کیفری می باشد و مبنای این امر در حقوق ایران، قانون است و در نظام کامن لا نیز، رویه ی قضایی موجود و قوانین موردی می باشد. با این حال ما در پژوهش حاضر، در سه فصل مستقل به بررسی مفاهیم، مصادیق، مبانی، ارکان و آثار حاکم بر قتل ناشی از ترک فعل در حقوق ایران و نظام حقوقی کامن لا خواهیم پرداخت.

۲-۱ بیان مسئله

قتل ناشی از ترک فعل عبارت است از: «امتناع ارادی شخص از انجام فعل ایجابی معین که قانونگذار در شرایط خاص مکلف را در صورت توانایی ملزم به انجام آن نموده است و در صورت عدم انجام آن فعل، قتل محقق می گردد.» این تعریف از سه عنصر اصلی تشکیل شده است: الف) امتناع از انجام دادن فعل ایجابی معین. منظور از امتناع این نیست که شخص به طور کلی موضع سلبی اختیار کند، بلکه مقصود آن است که فعل معین واجب را انجام ندهد، اعم از اینکه در هنگام ترک آن فعل دست به اعمال دیگر بزند یا

۱. صادقی، محمد هادی؛ جودکی، بهزاد، ۱۳۹۵، امکان وقوع جنایت به وسیله ترک فعل، تهران، پژوهش حقوق کیفری، س ۴،

ش ۱۵، ص ۱۱۵.

۲. همان.

مشغول انجام هیچ کاری نشود. در هر دو مورد، امتناع صورت گرفته است؛ یعنی در زمانی که باید عمل ایجابی مورد نظر قانونگذار را انجام می‌داد، سرگرم کارهای دیگر بشود یا اقدام به هیچ کاری نکند. ولی اگر کاملاً موضع سلبی اتخاذ کند، اما تنها خواسته قانونگذار را انجام دهد ممتنع محسوب نمی‌شود. ب) تکلیف قانونی. امتناع در جایی معنا دارد که عمل ایجابی از نظر قانون بر ممتنع الزامی باشد، وگرنه امتناع مفهوم ندارد. لازم نیست که منشأ این الزام، تنها نص و ماده خاص قانون جزایی یا قانون تکمیلی باشد؛ چون ممکن است مبدأ آن تعهد باشد؛ مثل تعهد شخص برای راهنمایی فردی نابینا یا دادن آب و غذا به فردی زمین گیر در قبال دریافت اجرت معین یا قرارداد نجات غریق با مسئولان استخر به منظور نجات شناگران یا تعهد مربی شنا با افراد تحت تعلیمش و گاهی منشأ آن قانون است و ج) امتناع ارادی، چون امتناع نوعی از رفتار انسانی است، دارای ویژگی ارادی می‌باشد و متهم به منظور رسیدن به هدفی خاص آن را انجام می‌دهد. اگر خودداری شخص ارادی نباشد، امتناع قانونی محقق نمی‌شود؛ مانند اینکه بی‌هوش شود یا اکراه مادی مانع انجام عمل مثبت مورد تعهد گردد. برای مثال، اگر مادری در زمانی که باید به نوزادش شیر دهد، بی‌هوش گردد یا توسط کسی زندانی شود، از نظر قانونی امتناع محقق نشده استحال با این تعاریف، می‌بایست بیان داشت که در جهت مسئول شناختن متهم یا تارک فعل در دو نظام حقوقی ایران و کامن‌لا، رابطه‌ی سببیت و عنصر معنوی می‌بایست احراز گردد؛ این اصل اساسی در حقوق کامن‌لا بیان می‌دارد که برای مسئول شناختن فردی، نوعی عنصر معنوی، ضروری است؛ در قالب این موضوع یک ضرب‌المثل لاتینی بیان می‌دارد که: «شخص به سبب یک عمل گناهکار شناخته نمی‌شود مگر آنکه ذهن او گناهکار باشد.» با این حال در تمام حوزه‌های قضایی، بیشتر جرایم کامن‌لا، وارد قانون موضوعه شده‌اند.^۱ در حقوق کامن‌لا در مواردی که تکلیف به انجام فعل وجود دارد، به رغم اینکه ترک فعل منتهی به مرگ شود، به هیچ وجه لزوماً جرم محقق نیست، زیرا مسئولیت قتل عمدی و غیرعمدی علاوه بر رفتاری که سبب مرگ می‌شود، مستلزم تقصیر نیز است اگر متهم بداند که ترک فعل او به طور قطع (یا قریب به یقین)، منتهی به مرگ می‌شود،

^۱ لفیو، واین آر، ۱۳۹۰، سببیت و قتل در نظام کیفری ایالات متحده آمریکا، ترجمه دکتر حسین آقائی نیا، میزان، تهران، ص

قاصد در قتل است و بنا بر این محکوم به قتل عمدی است. اگر در چنین شرایطی، ترک فعل او به بی‌مبالاتی کیفری (یا در موارد لزوم به بی‌پروائی) منتهی شود یا اگر ترک فعل او یک عمل غیر قانونی باشد، مرتکب قتل غیر عمدی ناشی از تقصیر محسوب می‌شود.^۱ محاکم کامن لا، تنها نقض وظیفه از سوی افرادی که تکلیفی خاص، در جلوگیری از وقوع نتیجه داشته را مجازات نموده و بتدریج منابع این تکلیف، همچون قرابت، قانون، قرارداد، آفرینش خطر و اعتماد را ایجاد و توسعه داده و با پذیرش نقض وظیفه، بعنوان شرط برای تحقق قتل ناشی از ترک فعل عنوان نموده‌اند.^۲ با این حال می‌توان گفت در حقوق کیفری ایران و کامن لا مثال ترک فعل همانند فعل می‌تواند عنصر مادی جرم واقع شود.

مبنای قتل ناشی از ترک فعل را می‌توان در حقوق انگلستان و آمریکا (کامن لا) در وظیفه‌ی قراردادی عنوان نمود؛ در وظیفه‌ی قراردادی، شخص تارک به موجب قرارداد، موظف به حفظ حیات دیگری است. مثلاً نجات غرقی که در یک استخر استخدام شده تا شناگران را در مواقع بروز خطر نجات دهد. از نظر مطالعه‌ی تطبیقی به عقیده‌ی عده‌ای در حقوق انگلیس، یک شخص فقط وقتی ملزم به اقدام (در نجات دیگری) خواهد بود که یک تعهد قانونی داشته باشد. علاوه بر مواردی که فرد به موجب قانون موضوعه متعهد به انجام کاری است (مثل وظیفه‌ی پدر یا مادر در حفاظت از فرزند) از لحاظ ضوابط حقوقی زمانی یک تعهد قانونی برای انجام فعل بر متهم تحمیل می‌شود که وی مسئولیت را پذیرفته یا در موقعیتی قرار داشته باشد که دیگران به طور معقولی انتظار اقدام از سوی وی را داشته باشند.^۳ البته در حقوق انگلیس برخلاف حقوق ایران و فرانسه صرف ترک فعل، جرم نیست؛^۴ این موضوع را می‌توان در رابطه با ترک انفاق مورد مطالعه و بررسی قرار داد که در حقوق ایران، صرف ترک انفاق که جزو جرایم مستمر نیز به شمار می‌رود، صرف ترک فعل جرم محسوب می‌گردد. از این رو ما در پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به سؤالاتی هستیم که از جمله:

^۱. همان، ص ۲۶۷.

^۲. منتظر، وحید، ۱۳۸۹، بررسی تطبیقی ترک فعل در حقوق کیفری ایران و ایالات متحده آمریکا، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه قم، صص ۱-۲.

^۳. میر محمد صادقی، حسین، ۱۳۷۴، تحلیل مبانی حقوق جزای، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی، ص ۶۵.

^۴. همان.

آیا در حقوق کامن لا، تارک فعلی به خاطر ترک فعلی که موجب قتل شده، مسئول شناخته می شود؟ چه توجیهی در خصوص مسئولیت کیفری تارک فعل وجود دارد؟ مبنای مسئول شناختن تارک فعل چه می باشد؟ چه تفاوت هایی در احکام قتل ناشی از ترک فعل در حقوق ایران و کامن لا وجود دارد؟

۳-۱ سؤالات تحقیق

- ۱- آیا در احراز مسئولیت کیفری تارک فعل علی الاصول نیاز به احراز رکن روانی هست؟
- ۲- احراز رابطه سببیت در قتل های ناشی از ترک فعل چگونه است؟
- ۳- رویکرد نظام کیفری کامن لا چه تفاوت هایی با نظام حقوق کیفری ایران در این زمینه دارد؟

۴-۱ فرضیات تحقیق

- ۱- در احراز مسئولیت کیفری تارک فعل در قتل عمد نیاز به احراز رکن روانی یا همان معنوی می باشد.
- ۲- احراز رابطه ی سببیت با توجه به مواد تقنینی، از طریق عرف و اوضاع و احوال موجود معین می گردد.
- ۳- در نظام حقوقی کامن لا، یک شخص فقط وقتی ملزم به اقدام (در نجات دیگری) خواهد بود که یک تعهد قانونی داشته باشد، ولیکن این تعهد در قانون مجازات اسلامی ایران اعم از تعهد قانونی و قراردادی است.

۵-۱ پیشینه تحقیق

۱) محمدخانی (۱۳۸۹)، رفتار مرتکب در قتل عمدی (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و آمریکا) چنین عنوان می دارد: یکی از مهمترین جرائم مورد بحث در حقوق کیفری قتل عمدی است که ارتکاب آن علاوه بر سلب حیات، این گران مایه ترین سرمایه انسانها باعث لطمه به خانواده قربانی، اجتماع و حتی خود قاتل و

خانواده وی می شود. برای احراز تحقق جرم دادرسی پیش از هر کاری، ناچار به احراز عنصر مادی جرم منطبق با نصوص قانونی است. قتل همانند جرائم دیگر، واجد عنصر مادی بوده و این عنصر شامل رفتار مرتکب موضوع جرم نتیجه حاصله و رابطه علیت بین رفتار مرتکب و نتیجه حاصله می باشد. در قسمت رفتار مرتکب تحقق قتل با فعل و ترک فعل و نیز افعال و صدمات معنوی و نیز فعل نوعاً یا نادراً کشنده مورد بررسی قرار می گیرد. این مطلب در قتل عمدی، مستلزم دقت و صراحتی دو چندان است. عدم اشاره به تحقق یا عدم تحقق قتل عمدی با ترک فعل در متن قانون عدم مشخص کردن مفهوم عمل نوعاً کشنده و در نتیجه حدوث اختلاف نظر در میان حقوقدانان و نیز رویه قضایی در دو مورد گفته شده و نیز مواردی از این دست، همگی ناشی از عدم صراحت قانون و عدم توجه قانونگذار به موارد پیش گفته در عرصه قانونگذاری آن هم در جرم مهمی مانند قتل است.^۱

۲) صدرات (۱۳۹۲)، ترک فعل به عنوان عنصر مادی قتل در فقه امامیه و حقوق کیفری ایران، چنین عنوان می دارد: در این تحقیق به بررسی این موضوع پرداخته شده که آیا ترک فعل را می توان به عنوان عنصر مادی جرم قتل محسوب داشت و در صورت امکان با چه شرایطی؟ برای بررسی امکان ارتکاب قتل از طریق ترک فعل که با روشی توصیفی تحلیلی انجام گرفت، پس از بررسی مصادیق ترک فعل، به تقسیم ترک فعل ها به ۳ دسته ترک فعل مسبوق به فعل، ترک فعل صرف و ترک فعل مسبوق به وظیفه اقدام پرداخته و این نتیجه حاصل گردید که نوع اول، در حقیقت فعل بوده و احکام فعل بر آن مترتب است.^۲

۳) صیدی (۱۳۹۲)، بررسی فقهی و حقوقی مسئولیت جزایی ناشی از ترک فعل از دیدگاه فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران چنین عنوان می دارد: اصولاً از دیدگاه حقوقدانان و اساتید علم حقوق، صرف وجود متن قانونی نمی تواند موجب تعقیب افراد باشد، مجرم باید عملی مادی انجام دهد و یا به ترک عملی مبادرت

۱. محمد خانی، عباس، ۱۳۸۸، رفتار مرتکب در قتل عمدی (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و آمریکا)، تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی، ص ۱.

۲. صدرات، معصومه، ۱۳۹۲، ترک فعل به عنوان عنصر مادی قتل در فقه امامیه و حقوق کیفری ایران، یزد، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه یزد، ص ۱.

نماید تا مستوجب مجازات گردد. بارزترین مصداق عمل مادی در جرم، فعل است. جرم فعل، ارتکاب رفتار مجرمانه‌ایست که مطابق قانون ممنوع شده است که ممکن است به صورت گفتن یا نسبت دادن شفاهی یا کتبی و یا انجام عملی باشد که قانون آن را با قید مجازات منع کرده است. مانند توهین، افتراء، سرقت، جاسوسی و نظایر آن.^۱

۴) علیخانی، (۱۳۹۳)، بررسی ترک فعل منجر به قتل از دیدگاه مذاهب پنج‌گانه چنین عنوان می‌دارد: امروزه همه حقوقدانان اتفاق نظر دارند که یکی از ارکان تشکیل دهنده هر جرم را رکن مادی تشکیل می‌دهد. این رکن دارای اجزای مختلفی است که وجود برخی از آنها در همه جرایم ضروری است؛ اما برخی دیگر فقط در برخی از جرایم لازم به شمار آمده‌اند. این اجزا عبارتند از: رفتار مجرمانه، نتیجه مجرمانه، رابطه سببیت. فقهای امامیه ارتکاب جرم از طریق ترک فعل را جرم می‌دانند ولی فقهای اهل سنت در باره ارتکاب جرم از طریق ترک فعل اختلاف شدیدی دارند و در مجموع سه دیدگاه در کتاب‌های فقهی آنان به چشم می‌خورد.^۲

۱-۶ اهداف تحقیق

۱- بررسی مسئولیت کیفری تارک فعل قتل ناشی از ترک فعل در حقوق ایران و مقایسه ی آن با

حقوق کامن لا

۲- بررسی معیار و ملاک مسئول دانستن شخص تارک در قتل ناشی از ترک فعل

۳- بررسی موردی مواد مختص قتل ناشی از ترک فعل در حقوق ایران و کامن لا

^۱ صیدی، مریم، ۱۳۹۲، بررسی فقهی و حقوقی مسئولیت جزایی ناشی از ترک فعل از دیدگاه فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، ص ۱.

^۲ علیخانی، مریم، ۱۳۹۳، بررسی ترک فعل منجر به قتل از دیدگاه مذاهب پنج‌گانه، تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی، ص ۱.

۷-۱ روش تحقیق

روش تحقیق فوق توصیفی و تحلیلی است؛ با این توضیح که محقق پس از توصیف موضوع به تحلیل

آن می پردازد.

۸-۱ سازماندهی تحقیق

پژوهش حاضر از سه فصل شکل گرفته است که به ترتیب در فصل اول در جهت شناخت اولیه ی موضوع به مفاهیم و مصادیق ناشی از ترک فعل پرداخته شده است که در بر گیرنده ی بررسی مفهوم قتل و ترک فعل و مصادیق حاکم بر ترک فعل با توجه به ماده ی ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می باشد و چون شناخت یک بنیاد بدون مطالعه ی مبانی آن به ثمر نمی رسد در فصل دوم نیز به بررسی مبانی قتل ناشی از ترک فعل و جایگاه آن در حقوق ایران و نظام حقوقی کامن لا و جهت نائل شدن به قصد نهایی در فصل سوم نیز به ارکان و آثار قتل ناشی از ترک فعل در حقوق ایران و نظام حقوقی کامن لا پرداخته شده است. با این وجود در پژوهش حاضر در هر مبحثی، در گفتارهای جداگانه به بررسی تطبیقی پرداخته شده و دو نظام حقوقی ایران و کامن لا مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

فصل دوم: مفاهیم و مصادیق قتل ناشی از ترک فعل

در فصل پیش رو ابتدا با مفاهیم پیرامون قتل ناشی از ترک فعل آشنا و سپس به مصادیق و اقسام قتل ناشی از ترک فعل اشاره خواهد شد.

۱-۲ مفهوم شناسی

برای آشنایی و مطالعه ی هر پژوهشی، شناخت مفاهیم پیرامون آن پژوهش از اهمیت اساسی برخوردار می باشد؛ با توجه به این موضوع، در پژوهش حاضر با مفاهیم پرکاربردی همچون قتل و ترک فعل پرداخته خواهد شد.

۱-۱-۲ مفهوم قتل عمد

با توجه به اینکه جنایت ناشی از ترک فعل، با توجه به ماده ی ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی می تواند به صورت عمدی روی دهد، از این رو شناخت مفهوم قتل عمد از اهمیت برخوردار خواهد بود که ذیلاً به مفهوم آن اشاره خواهد شد.

۲-۱-۱-۱ مفهوم قتل عمد در حقوق ایران

در حقوق ایران، در تعریف قتل عمد و یا قتل به طور مستقل و یا عمد به صورت مستقل، تعاریف مختلفی از سوی اشخاص اهل فن لغت و حقوقدانان و حتی مقنن در ادوار مختلف قانونگذاری ارائه گردیده است که ذیلاً به تشریح آن پرداخته خواهد شد.

الف: مفهوم لغوی قتل عمد در حقوق ایران

برای مطالعه ی مفهوم واژه ی لغوی قتل عمد می بایست دو واژه ی قتل و عمد را به طور مجزا مورد مطالعه قرار داد؛ واژه ی قتل در لغت به معنی ازالهی روح از بدن^۱ و از بین رفتن زندگی است.^۲ و واژه ی عمد نیز در لغت به معانی پیش رو به کار رفته است: کوشش، (منتهی الارب)، به طور جد و یقین، نیک راست و یقین، بی گمانی، به طور قصد و اختیار، که ضد آن سهو و خطا می گردد. تعمداً، دستی، دانسته، به عمد، متعمداً، عمداً، عمد، به طور عمد؛ به طور قصد و آهنگ، به عمد؛ به اختیار، عمداً، دستی، دانسته، عمد داشتن؛ قصد داشتن، عمد کردن؛ به طور اختیار و از روی قصد و آهنگ کاری کردن و قصد کردن آمده است.^۳ با این وجود مفهوم لغوی قتل عمدی نمی تواند مکمل تعریف دقیق باشد که ذیلاً به مفهوم اصطلاحی آن اشاره می گردد.

ب: مفهوم اصطلاحی قتل عمد در حقوق ایران

در اصطلاح، مفهوم قتل عمدی، سلب عمدی حیات از دیگری است؛^۴ به بیان بهتر، به سلب حیات اشخاص با اراده و اختیار قتل عمد گفته می شود. با وجود اینکه حقوقدانان تعاریفی را در زمینه قتل و انواع آن در اصطلاح ارائه داده اند، قانون مجازات اسلامی در تعریف قتل عمدی ساکت مانده و صرفاً به ذکر مصادیقی از این نوع قتل (قتل عمدی) بسنده نموده است. مطابق نظر یکی دیگر از حقوقدانان قتل عمدی

۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ه.ق، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالعلم الدارالشامیه، ص ۶۵۵.

۲. مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ج ۹، ص ۱۹۳.

۳. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، لغت عمد.

۴. آقای نی، حسین، ۱۳۸۴، جرایم علیه اشخاص، میزان، صص ۱۹ و ۱۸.

سلب ارادی حیات از انسان زنده به وسیله انسان دیگر تعریف شده است.^۱ اما عده ای دیگر معتقدند به تعریف مذکور باید قید بدون مجوز قانونی نیز اضافه شود تا وقتی که به حکم قانون از کسی سلب حیات صورت می گیرد از شمول تعریف خارج شود؛ به ایراد مذکور چنین پاسخ داده شده است که این قید در تعریف فوق مستتر و نیازی به ذکر آن نمی باشد. زیرا چنانچه نظر به اضافه نمودن چنین قیدی وجود داشته باشد باید در کلیه جرایم نیز به این نحو عمل شود در حالی که ضرورتی بر تصریح وجود ندارد زیرا این امر در همه جرایم به صورت مستتر موجود می باشد. مقنن تعریف دقیقی از قتل به میان نیاورده است اما به طور خیلی مختصر مفهوم قتل در ترمینولوژی حقوق اشاره می گردد که مطابق آن قتل در لغت به معنی کشتن و کشتار می باشد.^۲ با این وجود قتل عمدی به هر نوع قصد و نتیجه ای اطلاق می شود که همراه با ازهاق نفس معصوم همراه باشد.

(۱) مفهوم فقهی قتل عمد

محقق حلی در کتاب شرایع الاسلام در موجبات قصاص فرمودند: «گرفتن نفس معصوم دیگری به طور عمدی و با دشمنی»^۳ در شرح این عبارت آمده است: «ازهاق» در لغت به معنای خارج ساختن است. مراد از «نفس معصوم» جانی است که تلف کردن آن جایز نیست. مقصود از نفس «نفس همتا» نفسی است که از جهت اسلام، حریت و... با قاتل برابر است. یعنی از روی عمد کسی را کشته باشد.^۴ بنابراین در تشخیص قتل عمدی دو عامل یا دو امر معتبر است، یکی اینکه عمل مجرمانه انجام یافته از ناحیه مرتکب بر روی جسم و جان مجنی علیه از روی اراده و اختیار به انجام رسیده باشد (عامدا فی فعله) و دیگری اینکه کشتن مجنی علیه مقصود و هدف نهایی مرتکب جرم بوده باشد. فقیهان امامیه می گویند: قتل سه نوع است: عمد محض، و خطأ محض و شبهه عمد و یا عمد شبیهه به خطأ؛ اما مالک و ابوحنیفه، از مذاهب چهارگانه اهل سنت، بر پنج

۱. سپهوند، امیرخان، ۱۳۸۶، حقوق کیفری اختصاصی، تهران، مجد، ص ۲۵

۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۷۴، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، ص ۸۲۷

۳. و هو ازهاق النفس المعصومه مکافیه عمداً عدواناً (حلی، محقق نجم الدین جعفر بن حسن، ۱۴۰۸ هـ.ق، شرایع الاسلام، قم، مؤسسه ی اسماعیلیان، ج ۲، ص ۹۷۱).

۴. شیروانی، علی، ۱۳۸۴، ترجمه و تبیین شرح اللمعه، قم، مؤسسه انتشارات دارالعلوم، صص ۱۵-۱۴.

قسم می دانند و قتل را منحصر در عمد محض و خطاً محض کرده اند و شبه عمد را از جمله ی عمد به حساب می آورد و آن را موجب قصاص می داند؛ ولی در فقه امامیه فقط عمد محض مناط قصاص است فقها از آن تعاریف مشابهی کرده اند.^۱ در شرح این عبارت آمده است: «ازهاق» در لغت به معنای خارج ساختن است اما در این جا مجازاً در اخراج نفس از بدن بکار رفته است چون نفس حقیقتاً داخل در بدن نیست. مراد از «نفس معصوم» جانی است که تلف کردن آن جایز نیست.^۲

شارحین شرایع الاسلام و غیر آنها هم همین تعریف محقق را آورده اند و بعضاً قیودی را اضافه کرده و کلمات آن را با عطف تفسیری شرح داده اند و برخی هم نسبت به بودن بعض قیود مناقشه کرده اند و از سوی برخی دیگر جواب داده شده است مثلاً در جواهر الکلام^۳ نیز تعریفی آمده است؛ می بینیم که این تعریف همان تعریف بالا است و تنها در بعضی موارد برخی کلمات را با عطف تفسیری شرح داده است و قید اعلی را که صفت لفظی نفس است اضافه نموده است و این قید بیانگر این است که مقتول نسبت به قاتل جایگاهش بلندتر باشد مثلاً مقتول آزاد باشد و قاتل عبد باشد این هم عمد و موجب قصاص است. مرحوم صاحب جواهر بعد از این که این تعریف را ارائه می دهد می فرماید: قید اخیر «عدواناً» در مختصر النافع^۴ ترک شده است.

اما برخی دیگر گفته اند با وجود قید «المعصومه» از قید عدواناً بی نیاز هستیم، چون قید «المعصومه» غیر معصوم را خارج می کند و غیر معصوم اعم است از غیر معصوم اصلی مانند کافر حربی و غیر معصوم بالعرض مانند محکوم به قصاص و مانند کسی که در دفاع دیگری کشته می شود، پس اینها داخل در تعریف نمی باشند و با قید «المعصومه» خارج می شوند و نیازی به ذکر قید عدواناً نیست.^۵ این قید و بعض قیود دیگر در تحریرالوسيله هم نیامده است؛^۶ اما برخی از فقها^۱ این تعریف را آورده اند که از جمله واژه شرعاً را

۱. ر.ک: حلی، محقق نجم الدین جعفر بن حسن، پیشین، ج ۲، ص ۹۷۱.

۲. شهید ثانی، زین الدین بن علی، ۱۴۱۳، مسالک الافهام، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ج ۱۵، صص ۶۵-۶۶.

۳. «و هو ازهاق النفس المعصومه و اخراجها من التعلق بالبدن المكافئه و المساويه لنفس المزهق فی الاسلام و الحریه و غیرهما من الشرائط الآتیة او الاعلی عمداً عدواناً»

۴. حلی، محقق نجم الدین جعفر بن حسن، ۱۴۱۸ق، مختصر النافع، قم، مؤسسه المطبوعات الدینیة، ج ۲، ص ۲۹۲.

۵. طباطبایی، سید علی بن ابی معاذ، ۱۴۱۸ق، ریاض المسائل، قم، مؤسسه آل البیت، ج ۱۶، ص ۱۸۲.

۶. خمینی، سید روح الله، ۱۴۰۹ق، تحریر الوسيله، قم، مؤسسه دارالعلم، ج ۲، ص ۵۰۸.